

علی‌باقر نعمتی زرگران^۱

نظر به ویژگی‌های خاص منطقه قفقاز که یکپارچگی جغرافیایی مشخصه برتر آن است، روس‌ها به شدت نسبت به فعل و انفعالات به عمل آمده در بخش جنوبی منطقه قفقاز حساس هستند، و آن را در تعیین نوع بازی و توازن قوا در قفقاز شمالی حائز اهمیت می‌دانند. از این رو می‌توان عدم اعتماد به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دولت گرجستان را مبنای اصلی سوءتفاهمات و نگرانی‌های روسیه نسبت به این کشور دانست.

درگیری‌های نظامی مبارزین چچنی، که در دره پانکیسی در جمهوری گرجستان مستقر هستند و با عبور از مرز این کشور وارد خاک روسیه در جمهوری چچن شده و با مرزبانان روسی مستقر در مرز روسیه - گرجستان به جنگ می‌پردازند باعث شکل‌گیری صحنه جدیدی در منطقه شده است. اگرچه این زدوخوردها ادامه درگیری‌هایی است، که طی حدود سه سال پیش و متعاقب هجوم آوارگان چچنی به جمهوری گرجستان، بین چریک‌های چچنی با نیروهای روسی اتفاق می‌افتاد، اما با توجه به فضای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است که نگاه دقیق‌تر و کارشناسانه‌تری نسبت به این بحران و بررسی روند روابط روسیه و گرجستان، که با جایگاه آتی روسیه در منطقه فوق‌العاده مهم قفقاز ارتباط مستقیم دارد، داشته باشیم. دو تفاوت و تغییر شکلی و ماهوی را می‌توان در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به گذشته و حداقل یک سال پیش بیان نمود که این تغییرات معلول حوادثی است که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به وقوع پیوسته و در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱. آقای علی باقر نعمتی زرگران کارشناس مسایل روسیه است.

حضور نیروهای آمریکایی در آسیای مرکزی و قفقاز

با توجه به حوادث ۱۱ سپتامبر و ائتلاف ضد تروریسم که از سوی آمریکایی‌ها مطرح شد و با همراهی بسیاری از کشورهای جهان و از جمله مجموعه کشورهای CIS همراه گردید، نیروهای آمریکایی به بهانه پشتیبانی از عملیات افغانستان پایگاه‌هایی را در منطقه آسیای مرکزی و در کشورهای قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان در اختیار گرفتند و در پوشش مقابله با تروریسم به حضور نظامی خود در این منطقه که اصطلاحاً «حیات خلوت روسیه» محسوب می‌شود و تصور نمی‌شد حداقل تا یک دهه دیگر کشوری خارج از منطقه در آنجا پایگاه نظامی ایجاد نماید، مشروعیت بین‌المللی بخشید و این حضور با سکوت روس‌ها نیز همراه گردید.

این موضوع منجر به تغییراتی در موازنه قدرت در منطقه شد که آثار آن در آتیه بیشتر هویدا خواهد گردید، به‌ویژه این که این حضور با اعزام ۱۵۰ افسر ارشد نظامی به گرجستان در قالب برنامه موسوم به (GTEP)^(۱) به منطقه قفقاز نیز کشانده شد.

تقویت مناسبات روسیه و غرب

نیازی که آمریکا به حمایت روسیه در جریان عملیات ضد تروریستی در افغانستان داشت و پاسخ مثبت و بدون قید و شرطی که پوتین به این درخواست آمریکا نشان داد، زمینه را برای گسترش همکاری دو کشور فراهم نمود که آثار این توسعه با دیدار پوتین از واشنگتن در نوامبر ۲۰۰۱ شروع گردید و سپس با دیدار بوش از مسکو در مه ۲۰۰۲ و امضای یک پیمان بین روسیه و ناتو و نیز عضویت کامل روسیه در گروه کشورهای صنعتی و نیز نشست‌هایی که روسیه با EU داشت همراه گردید و فضای جدیدی را در روابط روسیه با کشورهای غربی و آمریکا فراهم نمود. کشورهای غربی نیز با استقبال از این روند موضع خود را در خصوص چگونگی تغییر دادند به طوری که در جریان دیدار پوتین از لندن و واشنگتن رهبران کشورهای فوق عملیات روسیه را در چگونگی یک عملیات ضد تروریستی اعلام کرده و حتی در برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای غربی از ارتباط بین نیروهای القاعده و نیروهای چچنی صحبت به میان آوردند.

پرداختن به این موضوع از آن جهت لازم است تا محدودیت‌هایی که این توسعه برای

اعمال فشار روسیه بر گرجستان فراهم می‌نماید. و ضرورتی که روسیه برای پاسداشت این فضا و چهره خود در نظام بین‌الملل و در تعامل با غرب می‌بیند، بیشتر شکافته و روشن شود، فضایی که به قیمت رضایت دادن به حضور نیروهای آمریکایی در حیاط خلوت خود به دست آمده بود.

ریشه اختلافات روسیه و گرجستان

در ابتدا برای تبیین ریشه‌های اختلاف بین دو کشور به‌طور مختصر، به جایگاه گرجستان در منطقه قفقاز و اهمیت آن برای روسیه می‌پردازیم؛ گرجستان تنها جمهوری قفقاز است که با ۶ منطقه و جمهوری فدراسیون روسیه در قفقاز شمالی دارای مرز مشترک است، برخی از جمهوری‌ها و مناطق واقع در قفقاز شمالی با برخی مناطق واقع در جمهوری گرجستان دارای سنخیت‌ها و اشتراکات فرهنگی، قومی، و زبانی هستند که بسیار از همدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند، مانند منطقه اوستیای جنوبی در گرجستان و جمهوری اوستیای شمالی در روسیه و یا نزدیکی و قرابتی که بین آبخازها و ساکنین منطقه کاباردینو-بالکاریا وجود دارد. علاوه بر این ویژگی، قرار گرفتن گرجستان در وسط منطقه قفقاز و ارتباط داشتن با دریای سیاه باعث گردیده تا موقعیت این جمهوری نه تنها برای فدراسیون روسیه بلکه برای کل منطقه قفقاز اهمیت حیاتی پیدا نماید.

الف) بحران جدایی طلبی در گرجستان

در راستای یک اصل جاری و ساری بین تمام قدرت‌های بزرگ جهان که با ایجاد و دامن زدن به برخی بحران‌ها در برخی مناطق حساس زمینه و مشروعیت حضور خود را فراهم می‌نمایند؛ پس از فروپاشی شوروی سابق نیز بحران‌هایی در مجموعه CIS ایجاد گردید که با اتصال این بحران‌ها به هم، خطی را به ما نشان می‌دهد که در پیرامون مرزهای شوروی سابق کشیده شده است، خطی که از تاجیکستان در آسیای مرکزی، که نقطه حساس تلاقی مرز با کشور قدرتمند چین و افغانستان ناامن می‌باشد، شروع و با اتصال به قره‌باغ و سپس آبخازیا که اتفاقاً مرز حساس این کشورها با دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه است ادامه و به بحران

دنیستر در شمال دریای سیاه ختم می‌شود.

بنابراین، جمهوری گرجستان مدت کوتاهی بعد از استقلال با بحران جدایی‌طلبی مردم منطقه آبخازیا مواجه گردید که چندی پیش مصادف با دهمین سالگرد آغاز آن بود. این منازعات منجر به کشته و زخمی شدن هزاران نفر از مردم گرجستان و وارد آمدن میلیون‌ها دلار خسارت و جدا شدن بخش وسیعی از خاک این کشور گردید که دولت مرکزی هیچ‌گونه حاکمیتی بر آن ندارد و امنیت شکننده برقرار شده هر از چندگاهی با تحریکات روس‌ها برهم می‌خورد. علاوه بر منطقه آبخازیا، منطقه اوستیای جنوبی نیز با دولت مرکزی درگیری‌هایی داشته و دارد که گرجستان دست روسیه را در دامن زدن به همه این بحران‌ها مشاهده می‌کند و طبیعتاً موجب ایجاد کینه‌هایی در دل مقامات گرجی نسبت به سیاست‌های کرملین گردیده است که آثار آن را در سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های شوارنادزه رئیس جمهور این کشور در گرایش به غرب و همکاری با آمریکا و نیز واگرایی از روسیه می‌بینیم.

ب) خروج نیروهای روسیه از پایگاههای مستقر در گرجستان

بر اساس توافقی که در قالب سازمان امنیت و همکاری اروپا بین کشورهای عضو و از جمله روسیه به عمل آمده و به پیمان کاهش نیروهای متعارف (CFE)^(۲) معروف است، روسیه متعهد گردیده که بخشی از نیروهای خود را از پایگاههای روسی در کشورهای اروپای شرقی و برخی از کشورهای CIS و گرجستان خارج نماید، این پیمان در جریان نشست سران کشورهای سازمان امنیت و همکاری اروپا^۱ که در سال ۱۹۹۹ در استانبول ترکیه برگزار گردید، نیز مجدداً مورد تأکید و توافق قرار گرفت. بر اساس آن قرار شد روس‌ها نیروهای خود را در سریعترین زمان ممکن از سه پایگاهی که در سه منطقه سوخومی، آخالکالکی و باتومی در جمهوری گرجستان در اختیار دارند خارج نمایند، از آن زمان مذاکرات گرجی‌ها برای خارج نمودن روس‌ها از این سه پایگاه شروع شده است، که در دو سال پیش پایگاه سوخومی تخلیه و بخشی از ادوات آن را به پایگاهی

1. Organization for Security and Cooperation in Europe (OSCE)

که روس‌ها در ارمنستان دارند منتقل نمودند. اما در مورد تحویل دو پایگاه باقی مانده اختلافاتی بین طرفین وجود دارد، در حالی که روس‌ها ۱۲ سال فرصت می‌خواهند، گرجی‌ها زمان سه سال را برای تخلیه این پایگاه‌ها کافی می‌دانند. این اختلاف نظر علی‌رغم چند دور مذاکره هنوز لاینحل باقی مانده است.^(۳)

ج) بحران چچن و حضور مبارزین چچنی در گرجستان

با بروز بحران دوم در چچن در سال ۱۹۹۹ که با حمله نیروهای جدایی طلب چچنی به فرماندهی شامیل باسایف به جمهوری داغستان^(۴) که در ساحل دریای خزر قرار دارد شروع گردید، مجدداً آتش جنگی در شمال قفقاز شعله‌ور شد که بعد از امضای موافقنامه یلتسین - مسخدوف در سال ۱۹۹۶ نزدیک به چهار سال بود که خاموش مانده بود، با روی کار آمدن پوتین که با شعار نابودی تروریست‌های چچنی قدرت را به دست گرفته بود و متعاقب آن حمله وسیع ارتش روسیه به گروزنی، سیل آوارگان جمهوری چچن به شهرها و مناطق اطراف و از جمله جمهوری گرجستان سرازیر شد. در میان آوارگانی که وارد گرجستان شدند، تعداد زیادی از مبارزین چچنی نیز حضور داشتند که همه آنها در دره معروف پانکیسی در حدود ۲۰۰ کیلومتری شمال پایتخت گرجستان سکونت داده شدند. روسیه از ابتدای امر با فرار مبارزین چچنی به گرجستان مخالفت نمود و در آغاز بحران چچن با ابتکار پوتین نخست‌وزیر وقت یلتسین رئیس جمهور وقت روسیه از شواردناده رئیس جمهور گرجستان درخواست نمود، مشترکاً و با همکاری همدیگر مانع از عبور مبارزین چچنی به داخل خاک گرجستان شوند که با پاسخ منفی طرف گرجی مواجه شد.^(۵)

استقرار این مبارزین در دره پانکیسی به معنی در اختیار گرفتن یک اهرم فشار علیه روسیه بود که هراز چندگاهی توسط گرجی‌ها به کار می‌رود، روس‌ها خواستار استرداد مبارزین به عنوان تروریست بودند اما گرجی‌ها تا اندکی پیش منکر حضور مبارزین در دره پانکیسی بودند. با بروز بن‌بست در حل بحران چچن فشار بر گرجستان از سوی روس‌ها تشدید گردید، روس‌ها معتقد بودند برخی کشورهای عربی - اسلامی و حتی غربی از طریق گرجستان به

مبارزین چچنی کمک می‌رسانند.

زمانی که روس‌ها از مجاب کردن گرجی‌ها ناامید شدند به اهرم‌های اقتصادی و از جمله برقراری رژیم صدور روادید برای سفر شهروندان گرجی به روسیه پرداختند، موضوعی که به معنی از دست دادن چندصد میلیون دلار درآمد سالانه برای گرجستان بود.

روسیه برای تشدید فشار بر گرجی‌ها و منصرف کردن این کشور از سیاست متخذه، ضمن برخورد تبعیض‌آمیزی اعلام کردند که این رژیم صدور روادید شامل آبخازی‌ها و اوستیایی‌های گرجستان که به دنبال جدایی طلبی هستند نمی‌شود، این سیاست نیز کارگر نشده است و اخیراً سیاست اعطای تابعیت به شهروندان آبخازی و اوستیایی از سوی دولت روسیه اجرا می‌شود که گرجی‌ها آن را به معنی انضمام تدریجی این مناطق به روسیه می‌دانند.

اخیراً و با تشدید فشار نظامی روسیه و چندین مورد بمباران دره پانکیسی و آغاز زمزمه‌هایی در خصوص احتمال جنگ بین دو کشور، دولت گرجستان با هدف کاهش تنش اقدام به برگزاری مانور نظامی در دره پانکیسی و پاکسازی این منطقه از مبارزین چچنی نموده است که با استقبال روسیه و از جمله ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور روبرو گردیده است.^(۶)

د) تقسیم میراث شوروی

یکی دیگر از موارد اختلاف گرجستان و روسیه، ادعایی است که مقامات گرجی نسبت به نحوه تقسیم میراث باقی مانده از شوروی دارند، در زمان شوروی تجهیزات و ادوات زیادی در گرجستان مستقر بود که به محض فروپاشی، این تجهیزات به روسیه انتقال داده شد، گرجی‌ها هم نسبت به این امر و هم نسبت به دارایی‌هایی که در کشورهای خارجی موجود است و روسیه آن را تصاحب نموده است اعتراض دارند، البته این اختلافی است که روس‌ها با بیشتر کشورهای CIS دارند و با تعدادی از آنها به توافق رسیدند، گرجی‌ها معتقدند که روس‌ها بعد از فروپاشی صدها واگن از تسلیحات و مهمات را از گرجستان خارج نمودند؛ در حالی که براساس قواعد بین‌الملل تجهیزات به کار گرفته شده گرجستان در زمان شوروی متعلق به گرجستان است و روسیه حق تصاحب آن را ندارد.^(۷)

سیاست‌ها و اقدامات واگرایانه مقامات گرجستان

اختلافات و تنش‌ها که بین دو کشور ظهور نمود به تدریج باعث گردید که گرجی‌ها سیاست واگرایی از روسیه را در منطقه در پیش گیرند، اتخاذ این سیاست و تلاش برای کاستن از نفوذ تاریخی روسیه در منطقه یکی دیگر از موارد اختلاف طرفین محسوب می‌گردد.

در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۸۱ و در پی بمباران برخی روستاهای مرزی توسط هواپیماها و هلی‌کوپترهای روسیه، پارلمان گرجستان طی مصوبه‌ای از رئیس‌جمهور این کشور خواست که این کشور را از CIS خارج نماید،^(۸) اگرچه شواردناده به این درخواست پارلمان پاسخ مثبت نداد اما گویای عمق واگرایی از روسیه در این کشور می‌باشد، گرجستان برای کاهش فشار روسیه و تقویت مواضع خود در منطقه چهار محور را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است:

۱. متحد کردن کشورهای واگرای CIS و تشکیل اتحادیه گوم: اتحادیه گوم ابتدا با حضور کشورهای گرجستان، آذربایجان، اوکراین و مولداوی در اکتبر سال ۱۹۹۷ در حاشیه اجلاس سران شورای اروپا در استراسبورگ تشکیل شد و سپس در سال ۱۹۹۹ در جریان نشست سران ناتو از بکستان نیز به این اتحادیه پیوست که البته اخیراً از این اتحادیه خارج شده است.

اگرچه در اساسنامه این اتحادیه هیچ اشاره‌ای به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های ضدروسی نشده است، اما بر همگان روشن است که وجه غالب و مشترک کشورهای عضو و عامل همبستگی آنها واگرایی از روسیه و مخالفت با برخی سیاست‌های روسیه بوده است، ضمن این که حمایت غربی‌ها از متشکل کردن کشورهای واگرای CIS نیز روشن است.^(۹)

۲. تشکیل یک محور سیاسی - امنیتی با حضور کشورهای ترکیه و آذربایجان: این محور که از همکاری‌های اقتصادی شروع گردیده بود، هم‌اکنون به همکاری‌های امنیتی کشانده شده است. موضوع خط لوله باکو - تفلیس - جیهان که به یک طرح جنجالی تبدیل شده است و قرار است بزودی کار اجرایی آن آغاز شود، یکی از این مصادیق اقتصادی محور ترکیه - گرجستان و آذربایجان است. سران کشورهای مزبور چند ماه پیش برای اولین بار در خصوص تشکیل یک محور امنیتی در شهر طرابوزان ترکیه با همدیگر دیدار نمودند.

کشور ترکیه که همواره یکی از بازیگران مهم قفقاز محسوب می‌شده، با اغتنام فرصت،

توسعه همکاری و روابط با گرجستان را جزو اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده و به‌رغم مشکلات اقتصادی، سالانه چند میلیون دلار کمک فنی، نظامی به این کشور ارسال می‌کند که تجهیز و مدرن‌سازی فرودگاه تفلیس و برخی پایگاه‌های نظامی دیگر از آن جمله است.

۳. تقویت و گسترش همکاری سیاسی - امنیتی با نهادهای غربی به‌ویژه شورای اروپا، OSCE و NATO: (۱۰) در این راستا گرجی‌ها موفق شدند بعد از بروز تنش در مرز این کشور با روس‌ها در سال ۲۰۰۰ ناظران OSCE را به منطقه مرزی با روسیه بکشانند، این ناظرین در چندین مورد با گزارش‌هایی که از اوضاع مرزی روسیه و گرجستان ارائه دادند موجب تقویت موضع گرجستان گردیده‌اند از جمله در تاریخ ۲۹ مردادماه ۱۳۸۱ این ناظرین حضور هواپیماهای روسی در داخل خاک گرجستان را گزارش نمودند که باعث موضع‌گیری کشورهای اروپایی علیه روسیه گردید. علاوه بر این گسترش رایزنی و تماس با NATO باعث گردیده است که این کشور در قالب برنامه مشارکت برای صلح چندین نوبت به‌طور مشترک با ناتو مانور نظامی برگزار نماید که آخرین مورد آن در اواخر خردادماه ۱۳۸۱ بود.

۴. ورود نیروهای آمریکایی به منطقه قفقاز: ورود هر بازیگر جدیدی به منطقه قفقاز به معنی کاهش نفوذ و نقش روسیه در این منطقه است، ضمن این که تعدد بازیگران در منطقه قفقاز فضای بازی و مانور بیشتری را در اختیار گرجستان برای حل مشکلات و پیشبرد منافع خود قرار می‌دهد.

در این راستا توجه به آمریکا به عنوان اولین قدرت جهان که علائق زیادی نیز در منطقه قفقاز دارد، یکی از اولویت‌های سیاست خارجی گرجستان در ۱۰ سال گذشته به ویژه در سال‌های اخیر بوده است. حضور آمریکایی‌ها به عنوان یک قدرت خارج از منطقه همیشه با حساسیت و مخالفت روس‌ها مواجه شده است.

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و همچنین توسعه روابط روسیه و آمریکا زمینه مناسبی را برای گرجی‌ها فراهم نمود تا موضوع ورود نظامیان آمریکا به قفقاز و جذب حداکثر کمک‌های مالی و فنی این کشور را پیگیری نمایند. در این راستا موفق گردید که در قالب برنامه آموزش نظامیان گرجی (GETP) ۱۵۰ تن از افسران ارشد آمریکایی را

در گرجستان برای آموزش ۲۰۰۰ نفر از کادر نظامی ارتش گرجستان در مدت ۲ سال آغاز نماید، دولت روسیه هم به دلیل ورود آمریکایی‌ها و هم بابت استفاده احتمالی از این نیروها و ادوات علیه آنها به شدت نگران موضوع است و با دولت گرجستان اختلاف دارند.^(۱۱)

جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توان گفت که اختلافات دو کشور در دو بخش قابل تفکیک است، بخشی از اختلافات ادعاهایی است که از سوی گرجی‌ها علیه روس‌ها مطرح می‌شود و برخی دیگر ادعاهایی است که از سوی روس‌ها متوجه گرجی‌ها می‌شود. ضمن این که موضوع تمامیت ارضی و گرایش‌های جدایی‌طلبی و استقلال‌طلبانه از دغدغه و نگرانی‌های هر دو کشور است که مورد بهره‌برداری علیه همدیگر قرار می‌گیرد.

ویژگی ژئوپلیتیک گرجستان از حیث قرار گرفتن در وسط قفقاز و دسترسی به دریای سیاه باعث گردیده که از این جمهوری به عنوان عمق استراتژیک قفقاز تعبیر شود، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک موجب شده که عملاً این جمهوری به صحنه رقابت و منازعه در روند اصلی حاکم بر جهت‌گیری‌های سیاسی منطقه یعنی روسیه و غرب تبدیل شود. رقابتی که به نظر می‌رسد بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور نیروهای آمریکایی در منطقه به مرحله جدی‌تری رسیده است.

نکته‌حائز اهمیت در فضای اختلاف‌آمیز روابط روسیه و گرجستان تلاش رؤسای جمهور هر دو کشور برای جلوگیری از ورود بحران به مرحله غیرقابل کنترل می‌باشد، به عبارت دیگر به دلیل پیچیدگی‌های موجود در اختلافات دو کشور، که چشم‌انداز حل و فصل آن را در کوتاه‌مدت منتفی می‌نماید، به نظر می‌رسد طرفین حفظ بحران کنترل شده را برای تقویت مواضع خود در جریان گفتگوهایی که هم‌اکنون بین دو کشور برای انعقاد یک پیمان جامع دوستی در حال انجام است^(۱۲)، در دستور کار خود قرار داده‌اند.

یادداشت‌ها

۱. Georgia Train and Equip Program این برنامه براساس تصمیم جرج بوش رئیس جمهور آمریکا و در پاسخ به درخواست ادوارد شواردناده رئیس جمهور گرجستان در تفلیس آغاز به کار نموده است، مدت برنامه ۲۰ ماه است و هزینه آن ۶۴ میلیون دلار می‌باشد، تعداد نیروهایی که در قالب این برنامه آموزش خواهند دید حدود ۲۰۰۰ نفر است.

۲. Conventional Armed Forces in Europe (CFE) Treaty، این پیمان در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۹۰ در پایتخت فرانسه به امضای ۲۲ کشور اروپایی و آمریکای شمالی و از جمله روسیه و آمریکا، رسید که براساس آن طرفین توافق کردند نیروهای نظامی خود را شامل تانک، خودروهای زرهی، توپ‌های جنگی، هلی‌کوپتر و هواپیماهای نظامی به میزان معینی از پایگاه‌هایی که در زمان جنگ سرد در اروپا ایجاد شده بود برچینند.

3. *Moscow Times Daily*, 28 August 2002.

۴. جمهوری داغستان با داشتن بیش از ۴۰۰ کیلومتر ساحل بین دریای خزر و جمهوری چچن واقع شده است، و از اهمیت فوق‌العاده مهمی در قفقاز شمالی برخوردار است، شهر مخاجقلعه مرکز این جمهوری تا پیش از حوادث چچن یکی از بنادر مهم روسیه در دریای خزر محسوب می‌گردید، یکی از اهداف استراتژیک مبارزین چچنی تسلط بر این جمهوری مسلمان‌نشین با هدف خارج ساختن چچن از بن‌بست جغرافیایی بود.

5. *Interfax News Agency*, 14 August 2002.

6. *Itar - Tass News Agency*, 28 August 2002.

7. *Interfax News Agency*, 16 August 2002, Georgian Foreign minister interview

8. *Moscow Times Daily*, 26 August 2002.

۹. آخرین نشست سران کشورهای عضو گوام در تاریخ ۲۸ لغایت ۲۹ تیرماه سال جاری در کیف برگزار شد و از سوی کشورمان نیز هیأتی به عنوان ناظر در این نشست شرکت نموده بود.

۱۰. در این راستا اخیراً و پس از چند بار نفوذ نیروهای آبخازی به دره کودوری که تحت کنترل گرجی‌ها می‌باشد، و حمایت ناظران و نیروهای روسی از جنگجویان آبخاری، دولت گرجستان از شورای امنیت سازمان ملل درخواست نموده است تا یک پست نظارتی در منطقه حائل ایجاد نماید.

Interfax News Agency, 14 August 2002, Georgian state minister interview

۱۱. اخیراً اعلام گردید که آمریکا برنامه مشابهی را در جهت آموزش نظامیان در ارمنستان پیاده نمود. این برنامه نشان از یک برنامه منسجم برای حضور قوی‌تر در منطقه قفقاز دارد که در پوشش‌های آموزشی و اسانددوستانه انجام می‌شود. خبرگزاری اینترناس، مورخ ۶ شهریور ۱۳۸۱.

۱۲. چهارمین دور مذاکرات دو کشور برای عقد پیمان دوستی در مسکو و به ریاست بوریس پاستاخوف رئیس کمیته CIS دومای کشوری و ایراکلی ماناگاریشویلی وزیر خارجه گرجستان برگزار گردید، ضمن آن که قرار است رؤسای جمهور دو کشور نیز در حاشیه نشست سران CIS با یکدیگر دیدار نمایند.